



## یادداشت

گشایشی در کار نیست، مردم را فریب می دهند!

صادق کار



اوج گیری اعتراضات اجتماعی با وجود موانعی که گسترش کووید ۱۹ بر سر راه اعتراضات جمعی بوجود آورده است، بویژه اعتصابات و تظاهراتی که یکی دو هفته اخیر در پالایشگاه ها و شرکت های پتروشیمی شروع شده اند از یک سو و ادامه سقوط ارزش ریال و افزایش قیمت کالاهای اساسی و تورم از سوی دیگر که مردم را عاصی کرده اند مقامات دولتی را به شدت هراسناک عواقب و پیامدهای اعتراضاتی که روز به روز همه گیرتر می شوند نموده اند. بحران بیکاری، رکود تولیدی و بحران های برآمده از کووید ۱۹، فساد، جنگ قدرت بین جناح ها و بن بست سیاسی که حکومت دچار آن شده را هم اگر در نظر بگیریم به علل نگرانی فزاینده سران حکومت در این ایام بیشتر واقف می شویم. وجود همین بحران ها باعث شده اند که دولتمردان هر روز برای آرام کردن مردم و جلوگیری از انفجار اجتماعی متوسل به ترفند تازه های بشوند و طرح های را به اجرا می گذارند که غالباً بجای اینکه از مشکلات مردم بکاهد آنها را افزون می کنند.

نمونه ها بسیارند. از طرح هایی چون یارانه نقدی، سه برابر کردن قیمت سوخت، حراج واحدهای کلان تولیدی، فضا سازی برای ایجاد رونق کاذب در بازار بورس، گران کردن قیمت ارز، وعده افزایش یارانه گرفته تا فروش سهام نفت به مردم... را شامل می شوند.

نه انتقادات و هشدارهای کارشناسان دلسوز و مستقل اقتصادی از این گونه اقدامات و نه آشکار شدن پیامدهای منفی طرح های اقتصادی حکومت و دولت و نه اعتراضات و خیزش های مردم نیز موجب تجدید نظر در رویکردها های تا کنونی نگردیده اند. نتیجتاً بحران ها دم به دم بیشتر و حل آنها دشوارتر شده است. تازه ترین نمونه از این دست طرح پیش فروش سهام نفت به مردم است که روحانی و مقامات اقتصادی دولتی از آن با عنوان "طرح گشایش اقتصادی" نام می برند. ظاهراً قصد از فروش سهام نفت جمع کردن نقدینگی، تامین هزینه های جاری دولت و مقابله با تحریم نفتی است. طرحی که بعید است به دلیل بی اعتمادی و بی اعتباری دولت و حکومت نزد مردم مورد استقلال



قرار بگیرد. ولو اگر هم عده‌ای ریسک کنند و سهام را بخرند، نه جوابگویی مشکلات و نیازهای عاجل اقتصادی و معیشتی مردم است و نه قصد دارند آنرا در این راه خرج کنند.

طرحی که بعد از اعلام آن نه تنها هیجان و امیدی در میان مردم خلق نکرد بل که موجب ناامیدی و دلسردی بیشترشان شد.

ظاهراً کفگیر دولت به ته دیگ خورده و هرآنچه از ته مانده اموال عمومی غارت شده توسط اهل بیت حکومت باقی مانده بود را فروخته و دیگر چیزی به جز نفت و گاز و معادن برایش باقی نمانده تا بفروشد که بفکر فروش سهام نفت افتاده است. خرید گسترده و اندیشیده نشده سهام شرکتها در بورس توسط شمار قابل توجهی از مردم عادی که برای تامین هزینه های اولیه زندگی شان به هر دری می زنند پای شهروندانی را به بازار بورس بازکرد که اکثرشان با بورس و بازار بورس از پیش‌آشنایی بیگانه بودند. این گروه کثیر که تحت تاثیر تحریکات تبلیغاتی فریبده دولتمردان وارد معاملات بورس شدند تا آنجا تحت تاثیر آن قرار گرفتند که خیلی های شان خانه و ماشین های شان را فروختند تا با پول آن سهام بخرند و پولدار شوند. استقبال این گروه از خرید سهام آنقدر وسیع شد که خارج از انتظارات خود دولتمردان بود. ارزش ریال نیز در آن هنگام همه روزه در حال سقوط بود و سهام بورس در حال رشد و جایی بود که مردم فکر می کردند با خرید سهام هم ارزش پول شان حفظ می شود و هم سود می برند. سودی به مراتب بیشتر از سود بانکی. استقبال مردم دولت را بر آن داشته تا شانس خودش را در فروش سهام نفت هم بیازماید. پول نفتی را که خمینی و عده تحویل اش جلوی درب خانه ها و احمدی نژاد و عده آوردن اش سر سفره‌ها را داده بودند اکنون وارثان خمینی و جانشینان احمدی نژاد که خود از فروش نفت ناتوان شده‌اند می خواهند در قالب سهام با عده سود نسبی به مردم بفروشند!

این در حالی است که درست چند هفته بعد از آنکه عده‌ای از مردم عادی خانه ها و ماشین های شان را فروختند تا پول آن را سهام بخرند، قیمت خانه و ماشین چنان بطور ناگهانی صعود کرد که کمتر کسی تصورش را می کرد. حالا قیمت خانه و ماشین آنقدر بالا رفته‌اند که دیگر کسی با مبلغی که خانه و ماشین مسافر کشی است را فروخت تا سهام با آن بخرد، قادر نیست همان خانه و ماشین را خریداری کند. ظاهراً یکی دیگر از اهداف دولت از فروش سهام عدالت و شرکت‌های دولتی کاهش تورم از طریق جلوگیری از رشد نقدینگی بود اما ظرف یک ماه تورم ماهانه تیر نسبت به ماه قبل حدود ۷ درصد بالا رفت. رقمی که از نظر کارشناسان بسیار شدید بود. قیمت مسکن و خودرو نیز بهمین ترتیب شروع به رشد و ارزش ریال هم به همان نسبت سقوط کرد!

البته در این قمار همه بازنده نمی شوند. آن لایحه نازکی از جامعه که از رانت اطلاعاتی و تصمیمات اقتصادی و مالی دولتمردان برخوردارند و کله گنده های بورس هستند برندگان بازار سهام و بازندگان آن کسانی غیر از آنهایی که خانه و ماشین شان را در این قمار از دست خواهند داد نیستند. با این همه به رغم اینکه طرح های فریبکارانه دولتها عده‌ای از مردم را به زمین می زنند، ولی بدون عواقب برای خود دولتها و کارگزاران سیاستهای این چنینی نیستند. مجسم کنید آینده نزدیکی را که حباب بورس بترکد و از پس آن صدها هزار سهامدار همه هستی اشان را که در بورس سرمایه گذاری کرده‌اند از دست بدهند!



حالا هم دولت طرح فروش نفت را پیش کشیده. فارغ از چگونگی برخورد مردم با فروش سهام نفت، این طرح گشایشی در وضعیت فلاکت بار مردم عادی که میلیونها نفرشان به سختی نان شب شان را تهیه میکنند بوجود نمی آورد.

مردم گشایشی می خواهند که به مسائل و نیازهای حاد روزشان پاسخ دهد. مسائل امروز اکثریت بزرگ مردم نداشتن کار، نیاز به نان و مسکن و دستمزد و درآمدی است که بتوانند با آنها امورات اولیه شان را بچرخانند. هیچ کدام از این طرح ها موجب افزایش دستمزد، اشتغال و خروج تولید از رکود نمی شوند. مضر به حال کشور و مردم هم هستند چرا که دارایی های عمومی را می فروشند و پول های آنها را حیف و میل و یا بقولی پیش خور می کنند و تاوان آن را هم باید مردم در زمان خودش بپردازند.

بهمین جهت طرح فروش سهام نفت با استقبال کافی مردم مواجه نخواهد شد و اگر هم از آن استقبال می شد پول آن صرف بر طرف کردن نیازها عاجل مردم نمی شد. چه بسا همان گونه که کارشناسان متعدد در مورد رشد حبابی بورس و فروش سهام شرکتها گفته و می گویند بار مشکلات معیشتی حال و آینده را برای مردم عادی سنگین تر و غیر قابل تحملتر کند. گشایشی در کار نیست وضعیت در حال بدتر شدن است این گونه راه کارها پاسخگوی وضعیت فعلی نیستند. اعتراضات و اعتصابات را بایستی برای خلاصی از فقر و فلاکت ادامه و گسترش داد و شرایط تحولات اساسی و واقعی در کشور را از پائین ایجاد کرد.



# زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



مهاجرین، سازماندهی و هژمونی گزینشی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکنونگ- بخش ۵  
فصلی از کتاب مساله اجتماعی در قرن بیست و یکم - نگاهی به جهان(1): انتشارات دانشگاه کالیفرنیا ۲۰۱۹

دنيس آرنولد

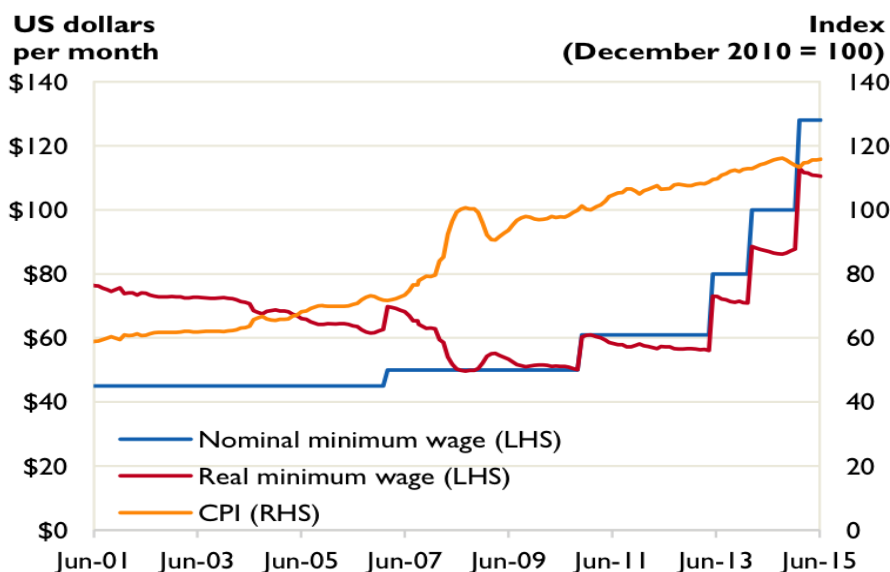
ترجمه گودرز

نمونه کامبوج



انتخابات تحت نظارت سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ امید به پایان دوران جنگ را در کامبوج بالا برد. با دولتی ورشکسته، تاسیسات زیربنایی نابودشده، و از هم گسیختگی اجتماعی دوران اقتصاد جهانی شده و نولیبرالی در آن کشور آغاز شد. از آن زمان تا کنون حزب حاکم حزب خلق کامبوج (CPP) توانسته است در مقابل خطر جنگ مقاومت کند و رشد بالنسبه سریع اقتصادی را تسهیل نماید. با این وجود کشور در مقایسه با سایر همسایگانش از نظر امید به زندگی، کاهش سطح فقر، آموزش و پرورش و سایر فاکتورهای توسعه، هنوز عقب ماندگی دارد.

چنان که قبلاً ذکر شد، اقتصاد کامبوج تنوع چندانی ندارد. گرچه کشور عمدتاً بر کشاورزی متکی است و ۷۰٪ جمعیت آن در روستاها زندگی می کنند، نرخ رشد شهرنشینی آن در جهان یکی از سریعترین کشورهاست. جمعیت پنوم پن، پایتخت کامبوج، در بیست سال گذشته تقریباً سه برابر شده است. در مناطق روستایی کشور حداقل یک نفر در هر خانوار در سن کار برای اشتغال به خارج از روستا مهاجرت کرده و ۶۰٪ آنان در شهرهای بزرگ سکونت یافته اند. تمایلات مهاجران شهری- روستایی و تعاریف هویتی ایشان همچنان ماهیت زراعی دارد، اشتغالات غیرکشاورزی نیز همچنان بر خدمت اقتصاد زراعی و زندگی روستایی تمرکز دارد. وقتی که کارهای زراعی را به حساب بیاوریم، ۶۰،۲٪ اشتغال غیررسمی و به دنبال آن ۳۳،۳٪ کار زراعی و تنها ۶،۵٪ اشتغال رسمی را دربر می گیرد. گرچه نرخ بیکاری عملاً پایین است و در ده سال گذشته باز هم کمتر شده است، و درآمد سرانه ناخالص ملی نیز در همین دوره رو به افزایش تقریبی ۷٪ بوده است، اما این منافع شامل همه نمی شود و نیاز به اصلاحات ساختاری اجتماعی و تامین بیمه های شغلی کارگران ضرورت دارد.



### طرح تأمین اجتماعی

صنایع با ارزش افزوده نازل مانند تولید لباس و کفش به منبع اصلی و راهبردی در توسعه کامبوج تبدیل شده است. اشتغال در کشور از حدود بیست هزار نفر در سال ۱۹۹۴ به هفتصد هزار نفر در ۲۰۱۶ افزایش یافته است. تصویر بالا نشان می‌دهد که حداقل واقعی دستمزد از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ یا ساکن بوده و یا کاهش یافته است. بطور متناقضی اما مؤسسات بین المللی مالی، وزارت کار آمریکا و تعداد بسیاری از خریداران بین المللی الیسه مدعی می‌شوند که سیاست های کاری در کامبوج به دلیل نظارت دائمی سازمان جهانی کار (ILO) "عادلان" و "اخلاقی" است.

علیرغم تلاش برای نظارت بر شرایط کار در کارخانجات صادرات پوشاک در کامبوج نرخ دستمزدها پایین مانده و همراه با قراردادهای موقت و محدود با اضافه کاریهای طولانی آنها قادر هستند در بازار بسیار رقابتی تولید پوشاک در جهان فعال بمانند. به عبارت دیگر رژیم نظارت بر حقوق کارگران کامبوج سعی کرده است این اشتغالهای بی آینده که بدن زنان کارگر را به مکانی برای استثمار در آورده، در زورق زیبایی بیچد و در تبلیغ برای توسعه صنایع صادراتی به افکار عمومی عرضه نماید.

The Social Question in the Twenty-First Century Book Subtitle: A Global View'  
 Editor(s): Jan Breman, Kevan Harris, Ching Kwan Lee, Marcel van der Linden Published  
 by: University of California Press. (2019)

## به سرکوب سندیکاهاى کارگری پایان دهید!



سازماندهی "دیمی کاران": نگاهی از "جنوب" - بخش هفتم

میشله فورد

ورای قاچاق انسانها و بردگی - ادامه

اتحادیه های کارگری آسیا می توانند با کوشش برای تأمین حقوق کارگران غیررسمی و دیمی کاران، و حمایت از آنان، موقعیت خود را ارتقاء بخشند. اما به این منظور آنها باید در سطح بالاتری "بازی" کنند.



کارگران معدن در اندونزی

## دیمی کاران آسیا به اتحادیه نیاز دارند

تغییرات در سازمان کار و استراتژی کارفرمایان به کاهش قدرت اتحادیه ها در شمال گلوبال انجامیده و گروه های بزرگی از کارگران را از دسترس آنان بس دور کرده است. در آسیا وضع از این نیز پیچیده تر است. در بسیاری از کشورهای آسیائی بخش اقتصاد غیررسمی وسیعی وجود دارد، که همچنان فاقد انتظام مبتنی بر قانون کار است و در سیستم مناسبات کار رسمی نمایندگی نمی شود. به علاوه، بخش بزرگی از نیروی کار نیز بر مبنای غیررسمی در بخش رسمی مشغول به کار است.

اتحادیه های کارگری آسیا در بسیاری از موارد به این گروه وسیع کارگران غیررسمی و دیمی کار بی توجه مانده اند. شاید این نامنتظره نباشد، زیرا بسیاری از جنبشهای کارگری منطقه ای به علت سرکوب طولانی جنبشهای ضعیفی اند و ای بسا هنوز برای تثبیت حقوق اولیه "هسته اصلی" کارگران، یعنی حق تشکل، مبارزه می کنند. انجمنهای غیررسمی، که بسیاری از آنها توسط سازمانهای غیردولتی حمایت می شوند، و حتی جنبشهای کارگری بین المللی برای پر کردن این شکاف کوشیده اند. با این حال اتحادیه ها - علیرغم ضعفهای آشکار اما قابل درک آنها - به



یمن نقشی که در سیستم مناسبات کار رسمی دارند و به اتکای روابط شان با سازمانهای بین المللی واضع استانداردهای کار، همچنان فاکتور مهمی برای گره گشائی از معضل اند.

### بخش غیررسمی و فراتر از آن

بخش بزرگی از نیروی کار در آسیا به کار غیررسمی اشتغال دارد. نسبت کار غیررسمی از مقدار پائین ۲۰ درصد در ژاپن با بیشتر از ۹۰ درصد در کامبوج، لائوس و نپال متغیر است. مشاغل غیررسمی کلاسیک شامل دستفروشی، بساط خیابانی و زباله گردی اند. اما کارگران غیررسمی بسیاری هم هستند که در بخش رسمی و صنایع مشغول به کار اند. "کارگران خانه کار" که به تعداد زیاد توسط کارخانه های بزرگ نساجی به کار گرفته می شوند، از آن جمله اند. این گروه پرشمار و پردوام از کارگران غیررسمی در سالهای اخیر با ظهور "اقتصاد فر فره" شمار بیشتری یافته است. اقتصاد فر فره اقتصادی است که در آن کارگران رسماً به عنوان پیمانکار مستقل به حساب می آیند، در حالی که مناسباتشان به کارفرما شباهت بسیاری به استخدام دارد. او بر یکی از این نمونه هاست.

اقتصادهای آسیائی، علاوه بر کارگران بخش غیررسمی، بر کار گروه فزاینده ای از دیمی کاران در محلهای کار استاندارد، همچون کارخانه ها، متکی اند. طبق یک مطالعه انجام شده در این اقتصادها، نسبت کارگران غیراستاندارد به کارگران استاندارد در محل کار رسمی، در فیلیپین حدوداً یک به سه است و در مالزی یک به چهار. این دیمی کاران که توسط شرکتهای کاریابی و مبتنی بر قراردادهای کوتاه مدت یا حتی موردی استخدام می شوند، دقیقاً همان کاری را انجام می دهند که کارگران با قراردادهای دائمی به عهده دارند.

باید تصریح کنیم که این افزایش در کار غیررسمی و دیمی کاری محدود به کشورهای در حال توسعه در آسیا نیست. این پدیده به گستردگی در اقتصادهای توسعه یافته آسیا از جمله در ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور نیز مشاهده می شود. برای مثال در کره جنوبی تخمین زده می شود که بیش از یکسوم نیروی کار به این یا آن شکل از دیمی کاری اشتغال دارد.



بیمه بیکاری برای بیکاران



## راه دشوار مبارزه با خصوصی سازی!

صادق



کارگران کارخانه هفت تپه دوماه است که در اعتصاب هستند. یکی از خواسته های کارگران اعتصابی لغو خصوصی سازی این مجتمع بزرگ صنعتی-کشاورزی است که در شرایط عادی می تواند بخش عمده نیاز کشور به شکر که جز کالاهای اصلی مورد نیاز مردم است را از صفر تا صد تولید کند. از کاشت نیشکر تا تبدیل آن به شکر و اقلام دیگر مانند الکل همه توسط کارگران این مجتمع انجام می گیرند و در صورتی که تعرفه شکر را صفر نکنند و واردات اضافه بر مصرف کشور شکر وارد نکنند چرخ های کارخانه خواهند چرخید، اشتغال در آن حفظ خواهد شد و سود دهی هم خواهد داشت.

در آن زمان که این مجتمع ساخته شد کسانی که آن را ساختند اگر فکر می کردند سود ده نیست آنرا نمی ساختند. یعنی کارخانه تا پیش از آنکه تصمیم به خصوصی کردن اش بگیرند سود آور، به نفع مردم و اقتصاد کشور بود و با بخشی از سودی که کسب می کرد می توانست ماشین آلات و تولیداتش را بازسازی و به روز کند و بهروری اش را ارتقا دهد. اگر این کارخانه مدتی است دچار مشکل شده است، به دلیل سوءمدیریت، ناکارآمدی و فساد صاحبان کارخانه و حامیان حکومتی آنها است.

دلایان و واردکنندگان شکر که از بابت واردات شکر سود هنگفت و کم زحمتی به جیب می زدند و در درون حکومت و مدیران ارشد دولتی عوامل ذیفوذی دارند چون تولید داخلی را به سود منافع خود نمی دانند، تلاش کردند که این مجتمع ملی را به نابودی بکشانند و آن را از سر راه خود بردارند. زمینه های روانی و اجتماعی خصوصی سازی اموال عمومی در واقع در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی "بانی سیاست تعدیل اقتصادی" با اعزام مدیرانی برای زمینه سازی واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی یا صحیح تر گفته باشیم به "خودی ها" شروع شد. در اکثر واحدهای واگذار شده بحرانها زمانی شروع و به آن دامن زده شد که مدیریت کارخانه ها به دست مدیران اعزامی دولت افتاد. اخراج های دسته جمعی کارگران، تعلیق بخش های از قانون کار، قانونی کردن قراردادهای موقت، ممنوعیت رسمی اعتصاب و دهها بخشنامه که همگی ناظر به از میان برداشتن اندک حقوق قانونی کارگر بود و همچنین تعویق های طولانی در پرداخت دستمزدها از همان دوره شروع و تشدید شد. بعد از بحران های فلج کننده ای که در اثر سیاستهای





تعدیلی، جامعه را دربر گرفت و سبب ساز اعتصابات و اعتراضات گسترده توده‌ای و پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ شد بسیاری از اجزا سیاست تعدیل دوران رفسنجانی مانند خصوصی سازی و تعرض به قانون کار و حقوق زحمتکشان ادامه یافت. عامل عمده به قدرت رسیدن خاتمی نارضایتی مردم از رفسنجانی و عدالت ستیزی اشرافی او و حواریون سیاست تعدیل بود. آنچه که به احمدی نژاد کمک کرد تا در دوره نخست ریاست جمهوری اش آرای عده زیادی از مردم فقیر روستایی و حاشیه نشین را از آن خود کند، استمرار بی عدالتی ها پیشین در دوران خاتمی و سئواستفاده احمدی نژاد از آنها با طرح و عده‌هایی همچون آوردن پول نفت و پرداخت یارانه نقدی بود. با این همه احمدی نژاد به رغم عده‌های فریبنده‌اش به توده‌های قربانی شده در مسلخ سیاست تعدیل، در توسعه فقر، بیکاری، منجمد کردن دستمزدها، بی عدالتی و پامال سازی حقوق سندیکایی کارگران و مزدبگیران و واگذاری واحدهای دولتی گوی سبقت را از رفسنجانی ربود. با وجود افزایش بی سابقه درآمدهای نفتی نه تنها سهمی از آن سر سفره زحمت کشان و بی چیز شدگان نیامد بلکه وضعیت آنها در پایان ریاست جمهوری وی به مراتب بدتر و سفره هایشان تهی تر شد. در همین دوران بود که بیشترین خصولتی و خصوصی سازی ها انجام گرفت. حذف تعرفه واردات شکر که ضربه هولناکی بر هفت تپه وارد کرد توسط دولت احمدی نژاد صورت گرفت.

علت عمده پیروزی روحانی بر رئیسی و قالیباف چیزی غیر از بیزاری مردم از دولت احمدی نژاد و حامیان حکومتی وی و دادن شعارها و وعده‌های فریبکارانه روحانی نبود. او هم که از حواریون رفسنجانی و سیاست تعدیل اقتصادی بود از همان آغاز به صورتی افراطی تر سیاستهای دولتهای گذشته را ادامه داد و بیشترین دشمنی و ستیز با حقوق کارگران را به پیش برد. نتایج عملکرد دولت روحانی و طرفداران سیاست اقتصادی نئولیبرالی آشکارتر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشند.

اینک نیز سرکردگان محافظه کاران رقیب روحانی، افرادی امثال قالیباف و رئیسی با استفاده از سیاستهای ضد کارگری و عدالت ستیزانه دوران روحانی و ادعای عدالت خواهی سعی می کنند با یک سری مانورهای فریبکارانه، زحمت کشان به جان آمده از سیاستها و عملکرد حکومت را بفریبند. آنها را به بیراه بکشانند و خودشان را از زیر فشار اعتراضات فزاینده کارگران که کل سیاستهای ضد کارگری حکومت را نشانه گرفته‌اند، برهانند. کارگران و محرومان هیچ حامی و دوستی در میان هیچ یک از باندهای حکومتی ندارند. علی خامنه‌ای رهبر حکومت خودش از عوامل اصلی استبداد، بی عدالتی، خصوصی سازی و حامیان سرکوب حقوق و تشکلهای کارگری مستقل و سیاست هابی است که تولید و اقتصاد کشور را دچار فلاکت و افلاس و دستمزدهای زیر خط فقر را به زحمتکشان تحمیل نموده است.

غرض از اشاره به نقش دولت های مختلف در شروع و فرایند خصوصی سازی و مقررات زدایی از مناسبات بین کارگر و سرمایه دار، این بود که بگویم با چنین سوابقی، کارگران هفت تپه، هپکو، پالایشگاه کرمانشاه... در مبارزه شان علیه خصوصی سازی چه راه دشواری در پیش دارند. راهی که البته نباید بخاطر دشواریهای زیادی که دارد نیمه تمام رهپیش کرد. ولی باید سختی هایش را شناخت و برای به نتیجه رساندن آن امکاناتش را فراهم کرد. بنا بر این اگر توازون قوای موجود و سازمان نایافتگی بخش های وسیع طبقه کار در مقطع کنونی و ناموسی شدن حفظ خصوصی سازی برای همه باندهای حکومتی و سرمایه داران مانع رسیدن شما به این خواسته تان در مقطع کنونی شدند ناامید نشوید. به مبارزات تان ادامه دهید. پیروزی در مبارزه است و شکست در انفعال و تسلیم!

**خصوصی سازی را متوقف کنید!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته



ادامه و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری در مناطق نفتی، دوماهه شدن اعتصاب کارگران هفت تپه، تداوم اعتصاب کارگران هپکو و ورود دادستان کل کشور به قضیه، حمایت ۳۷ سندیکا، کانون صنفی و تشکلهای و نشریات دانشجویی از اعتصابیون و مطالبات حق طلبانه کارگران، ابتلای ۱۲ زندانی سیاسی و سندیکایی به کرونا، تجمع دوباره کارکنان بهداشت و درمان مقابل سازمان اداری و استخدامی تهران، تجمع معلمان حق التدریس مقابل وزارت آموزش و پرورش، تجمع کارگران اداره آب و فاضلاب اهواز، اعتصاب کارگران پاکبان و فضای سبز در خوی مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

## اعتصاب کارگران شرکتهای نفتی و پتروشیمی

اعتصابات کارگران در شرکتهای نفتی و پتروشیمی که از ۸ مرداد شروع و با پیوستن شمار بیشتری از کارگران شرکتهای پیمانکاری در ۱۱ مرداد بصورت اعتصابی نسبتاً فراگیر و بی سابقه در سالهای پس از انقلاب درآمد در این هفته نیز ادامه پیدا کرد. در این میان صاحبان شرکت های پیمانکاری بطور جداگانه تلاش کردند تا با دادن امتیازات کوچکی به کارگران مطالبات اساسی آنها را که افزایش دستمزد، رفع تبعیض و حکمروایی بی قانونی در این شرکت ها است و بویژه استخدام مستقیم و رسمی توسط شرکت نفت است را بی پاسخ بگذارند. با این همه تا کنون ناکام مانده اند. نه صاحبان این شرکتها و نه مقامات دولتی اساساً بعد از آن همه تدابیری که برای کنترل کارگران در نظر گرفته بودند و محیط های این شرکت ها را بصورت پادگانی اداره می کردند، نه انتظار یک چنین اعتصابی را داشتند و نه مقاومتی را که کارگران اعتصابی دارند می کنند. آنها می کوشند با سانسور کردن خبر این اعتصابات کارگران اعتصابی را از حمایت افکار عمومی محروم و ستم و استثمار وحشیانه ای را که به کارگران روا داشته اند و اینک موجب انفجار خشم کارگران شده اند از اذهان مردم پنهان نگه دارند. با این همه با وجود رسانه های اجتماعی و منابع خبر رسانی کارگری سانسور اخبار و علل اعتصابات برای شان نا ممکن گردیده است. نتیجه اینک عده قابل توجهی از کارگران و تشکلهای کارگری، معلمان و دانشجویی به اشکال مختلف همبستگی و حمایت شان از



اعتصابات را اعلام می کنند و موج همبستگی ها از اعتصابیون در داخل و خارج از کشور در حال افزایش می باشد. ده ها اتحادیه و کنفدراسیون نیرومند و پر نفوذ کارگری در کشورهای مختلف که صدها میلیون کارگر را نمایندگی می کنند نیز از اعتصابیون حمایت نموده اند. با این وجود خانه کارگر و شوراها اسلامی نه تنها در این باره سکوت کرده و هیچ حمایتی از کارگران اعتصابی نمی کنند، بلکه با زد و بند با دادستانی و مقامات دولتی و نشر اخبار جعلی برای برهم زدن اعتصابات مشغول هستند!

ما همانطور که قبلا نیز نوشتیم و گفتیم پاشنه آشیل این اعتصابات نبود اتحادیه کارگری مستقل و منتخب خود کارگران هستند. این نقیصه اساسی موجب می شود که کارگران نتوانند بطور سازمان یافته و یک پارچه با ترفندهای تفرقه افکنانه اعتصاب شکنان مقابله کنند. بویژه پیکار برای برچیدن بساط شرکتهای پیمانکاری و دلان بازار کار، نیازمند اتحاد سازمان یافته کارگران پیمانی و قراردادی در سطح کشور است. تشکیل شورایی از میان سازمان دهندگان اعتصاب در شرکتهای مختلف جهت ایجاد هماهنگی و خنثی نمودن ترفندهای کارفرمایان که از پشتیبانی کلیه نهادهای حکومتی و دولتی برخوردارند برای پیشرفت اعتصابیون در جهت خواسته های شان نقش اساسی خواهد داشت.

### حمایت ۳۷ تشکل و روزنامه دانشجویی از کارگران اعتصابی

در ادامه حمایت های گروه های مردمی مختلف از کارگران اعتصابی در ۷ استان مختلف، ۳۷ نهاد کارگری و معلمان در یک بیانیه مشترک که روز چهارشنبه این هفته منتشر کردند، حمایت و همبستگی شان با اعتصابیون مطالبات شان را اعلام کردند. در واقع این اعتصابات شور و امید و انتظاراتی را در میان گروه های اجتماعی بویژه، دانشجویان، معلمان، پرستاران بوجود آورده است و به تحرکات آنها دامن زده است. از امضا های ذیل این بیانیه چنین بر می آید که بخش بزرگی از جنبش دانشجویی کشور از کارگران حمایت می کنند و محتملا بخش های دیگری نیز که موضع نگرفته اند به تدریج موضع گیری کنند. کانون های صنفی معلمان و دو سندیکای سرافراز و مستقل هفت تپه و واحد نیز جز امضا کنندگان بیانیه حمایت از اعتصابات کارگری هستند. این حمایت ها به اعتصابیون نیرو و روحیه می دهند به اعتصابات شان تا حصول به نتیجه ادامه دهند. تلاش برای جلب حمایت گروه های بیشتری از مردم از اعتصابیون لازم است با جدیت دنبال شود.

### ۶۰ روزه شدن اعتصاب کارگران هفت تپه

اعتصاب کارگران حق طلب و مقاوم هفت تپه وارد شصتمین روز شد. در این هفته نیز مسئولین نهادهای حکومتی کوشش کردند با ترفندهایی کارگران را بفریبند و به اعتصاب آنها خاتمه دهند که با هوشیاری کارگران ناموفق ماندند. ملاقات تعدادی از نمایندگان مجلس با کارگران و همچنین ملاقات عده ای از مسئولین نهادهای حکومتی و دولتی با هم ظاهرا بر سر چگونگی برخورد با کارگران و خواسته های آنها بویژه بازگرداندن مجتمع به بخش دولتی بی نتیجه ماند و جلسه دیگری که قرار بود روز دوشنبه بین مسئولین و نمایندگان کارگران انجام شود تشکیل نشد. از اظهار نظراتی که در این خصوص از طرف مسئولین شده چنین بر می آید که هیچ کدام از آنها با برگرداندن مالکیت هفت تپه که اساسی ترین مطالبه کارگران است موافق نیستند. ظاهرا اختلاف بین دولت و قوه قضایی بر سر اشخاص و نهادی است که کارخانه بایستی به آنها سپرده شود. دولت تا چندی پیش از ماندن کارخانه در تملک اسد بیگی حمایت می کرد. ولی پس از به جریان افتادن پرونده اختلاس اسد بیگی و شرکا ترجیح داد که شرکت را زیر لوای سپردن به تامین اجتماعی جهت تسویه بخشی از بدهی های دولت در بورس به فروش برساند. اما به نظر می رسد دستگاه



قضایی، مجلس و هواخواهان شان در سپاه و نهادهای مشابه در تلاشند این لقمه را از دهان رقیب درآورند و در دهان یکی از نهادهای حکومتی بگذارند. حمایت های ریاکارانه و ظاهری گاه بگاه مسئولین دستگاه قضایی از کارگران نیز در راستای این هدف قرار دارد. کارگران باید هوشیار بمانند و نگذارند قربانی جنگ های جناحی حکومتی شوند.

### ادامه اعتصاب در هپکو

در دهمین روز اعتصاب کارگران هپکو قضیه چنان بیخ پیدا کرد که پای دادستان کل کشور هم به آن کشیده شد. رئیس شورای اسلامی کار کارخانه در حالی که کارگران معترض به واگذاری کارخانه به تامین اجتماعی و پرداخت نشدن دستمزدهای دو ماهه گذشته شان در اعتصاب هستند دست به دامن دادستان کل کشور برای حل قضیه شد. خبرگزار ایلنا در ۲۲ مرداد گزارشی از نشست دادستان کل کشور، دو تن از اعضای شورای اسلامی، جمعی از مسئولین دولتی و قضایی برای رسیدگی به مشکلات هپکو را منتشر کرد. جناب دادستان در پایان این نشست یک فرمان ۵ ماده‌ای برای حل مشکلات ارائه داد که ظاهراً همه مسئولین حاضر در جلسه منجمله نمایندگان شورای اسلامی آنرا پذیرفتند. در این پنج فرمان بر واگذاری هپکو به تامین اجتماعی یعنی درست همان چیزی که سالهاست کارگران بارها علیه آن اعتصاب کرده‌اند صحنه گذاشته شد. شایان ذکر است که از زمان منصوب شدن رئیسی بر راس دستگاه قضایی حکومت و ادعای "عدالت خواهی" او تشکل های حکومتی او را ناجی خود کرده‌اند و شکایات شان را پیش دستگاه قضایی می برند، اما ره بجایی نبرده‌اند!

تجمع دوباره کارکنان بهداشت و درمان مقابل سازمان اداری و استخدامی تهران، و تجمع معلمان حق التدریس مقابل وزارت آموزش و پرورش، دو رویداد حائز اهمیت دیگر کارگری در این هفته همزمان با اعتصابات کارگران نفت بودند. مطالبات پرستاران و کارکنان بخش درمانی و همچنین معلمان حق التدریسی نیز به واقع تفاوت چندانی با مطالبات کارگران نفت، هفت تپه، هپکو و شهرداری ها ندارند. مهمترین مطالبات همه آنها استخدام رسمی، برچیدن بساط شرکت های پیمانکاری و دلالی، افزایش دستمزد و پرداخت آن، رفع تبعیضات مزدی.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**[sabosob@gmail.com](mailto:sabosob@gmail.com)**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!**